



۲۰۱۷/۰۸/۱۹

به قلم مسعود فارانی

تقديم «قاموس كبير افغانستان» مصادف بروز استرداد استقلال کشور، چرا؟

به دليل اینکه آغاز کار نيکی باشد برای استقلال فرهنگی افغانستان عزيز و جلوگیری از تهاجم فرهنگی دشمنان، تا در آيينه اين قاموس هر افغان ملی و وطن دوست و هر محقق ديگر يقين حاصل کند که افغانستان غنای فرهنگی خودش را دارد و رجوع به آن به قسمتی از اين فرهنگ کهن پی بزد. آشنائی و معرفت مردم از ميراث فرهنگی شان میتواند زمينه ساز غرور و افتخار ملی و نیز موجب وحدت ملی شان گردد، تا در پرتو آن قدم های اندیشمندان و با ثبات را در حیات اجتماعی آینده خود بگذارند و از فرهنگ اصیل خود با افتخار حراست و نگهداری کنند.

فرهنگ چیست؟

فرهنگ (در انگلیسی "کلچر" و در آلمانی "کلتور") از نظر علمی یکی از شاخه های وسیع علم "بشرشناسی" (انترپولوژی) است و اساساً به سه ساحه تقسیم میشود: ساحه باستانشناسی (آرکیالوژی)، ساحه زبانی و ديگر ساحه اجتماعی که هریک با آنکه ساحات تحقیقاتی مشخص دارد، اما نمیتوان آنها را از هم جدا دانست. مسلم است که در ساحات زندگی بشری در هر محدوده ای جغرافیائی اعم از یک کشور، یک منطقه و یا یک محل مشخص، چه در گذشته و چه در حال، خصوصياتی از قبیل عادات، خصلت ها، باورها، یافته ها، کردارها و غیره نهفته است که باید تدقیق، توضیح و مشخص شوند تا بدانسيله هویت فرهنگی آن جامعه تبارز کند.

"فرهنگ" - "لغتنامه" یا "قاموس!"

اگر پرسیده شود که چرا لغتنامه ها را فرهنگ می نامند؟ پاسخ اینست که لغتنامه سازی زبان پارسی دری برای اولین بار تحت عنوان "فرهنگ" در هندوستان رایج شد. این رسم، نوع خصوصیت جامعه قاموس سازان هندی بود که از جانب کشور های ديگر پارسی دری زبان نیز پذیرفته شد.

از جانب ديگر ساختن لغتنامه خودش یکی از خصوصيات فرهنگی بارز است که ساحه زبانی فرهنگ جامعه را در یک مجموعه ای از مفاهیم و معانی کلمات، اصطلاحات، تشبیهات و حتی ضرب المثل های مروج در محیط زبانی همان محدوده جغرافیائی بیان، تشریح و تسجیل میکند.

"لغتنامه" را که مفهوم خاص را میرساند، در هند در قالب مفهوم عام "فرهنگ" گنجانیده اند و به همین روحیه کلمه عام "فرهنگ" بجای کلمه خاص "لغتنامه" بین حلقات پارسی دری زبان آن کشور از سالها قبل معمول گردیده است، لذا "لغتنامه" را میتوان مرجعی دانست که به کمک آن بخشی از مسایل زبانی "فرهنگ" جامعه را شناسایی و بررسی کرد. قاموس ها و لغتنامه های تدوین شده بعدی پارسی دری به تاسی از قاموس سازان هندی "فرهنگ لغات" نامیده شده است، اما در غرب چون لغتنامه ها خود جزء فرهنگ است، چنین رواجی که لغتنامه را "فرهنگنامه" یا "فرهنگ" یاد کرده باشند، متداول نیست.

چرا فارسی دری بجای پارسی دری؟

نام پارس یا فارس هیچ سنخیت و قرابت مکانی، منطوقی، ریشوی و حتی زبانی با زبان پارسی دری ندارد. اینجا سؤال اساسی سر بلند میکند که پس چرا و چگونه کلمه فارس یا پارس را بنام یک زبان تاریخی پینه و وصله زده اند؟ حتی این جعل چنان به شهرت رسیده است که پارتیان هند را نیز پارسیان هند می نامند، در حالیکه زبان دری که زاده زبان باستانی پارسی است و مرکز آن ام البلاد "بلخ بامی" بود. اگر پرسیده شود که پس اصل زبان پارسی چه شد و چرا از متن ها در حال حذف شدن است و جای آنرا از یکصد و اندک سال به اینطرف پارسی اشغال میکند؟ در جواب باید گفت که: پارس از خود زبانی دارد بنام زبان "شیرازی" که جدا از پارسی دری است، چنانکه "حافظ سعیدی" دوشاعری این منطقه که تا نو جوانی به زبان پارسی دری آشنا نبودند و بعد ها که آشنا شدند، حافظ خودش به صراحت اذعان و اعتراف میکند که: سخندان و خوشخوانی نمی ورزند در شیراز بیا حافظ که تا خود را به ملکی ديگر اندازیم چرا حافظ چنین خطاب میکند؟ بخاطریکه او به زبان دری شعر میسراید و دری برای شیرازی ها زبان بیگانه و نامفهوم بود. حافظ خود میفرماید:

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه *** که لطف طبع سخن گفتن دری داند

Frei verwendbar

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرو مخکې په خیر و لولئ

حافظ چرا از کلمه فارسی کار نمی‌گیرد؟ بخاطری که زبانی پارتی دری بنام فارسی دری در آن زمان جعل نشده بود. برای روشن شدن موضوع سند مؤتقی دیگری در ذیل تقدیم می‌شود تا از مرض جعل سازی در امان باشیم: استاد "مهرداد بهار" که از جانب خیرگان ایران بخاطر اسطوره‌شناسی غواص استوره‌ها لقب گرفت، سخنان ارزنده و قابل ملاحظه دارد، موصوف واضح می‌سازد که جعل تاریخی در مورد کلمات پارت و پارس چگونه بمیان آمده است و دلیل آن چیست؟ (مجله ماهنامه فرهنگی و هنری بنام کلک که در ۳۴۴ صفحه (شهریور [ماه ایرانی]، ۱۳۷۳ شمسی شماره ۵۴ نشر شده است.) در صفحه ۲۲۵ این مجله چنین می‌خوانیم:

مهر داد بهار میگوید: «... یک نکته بسیار جالب برایتان بگویم و آن اینکه در شاهنامه آمده که پایتخت کاوس در پارس بود، در حالی که در حماسه‌های کهنه که نگاه می‌کنیم فارس درین حماسه‌ها اصلاً دخیل نبوده است. این نبرد ها به گرد رود جیحون است. پس چرا یاد از پارس کرده است؟ جالب اینستکه واژه پارت و پارس، در املاً پهلوی هردو به صورت P'IS املاء میشود و در ضمن مطالب جغرافیای بندهش آمده که از هرات به شرق افغانستان امروزی پارس است یعنی از هرات تا برسد به بامیان و برسد به کوههای پامیر در شرق، یعنی منطقه ای که بلخ هم جزء آن است، پارت حساب میشود و بلخ پایتخت کاوس بوده. ضمناً من در یاداشتهای شما (داکتر مزداپور) بود که می‌خواندم که بلخ پایتخت کاوس بوده، توی متن آمده، اشتباه در قرانت و دریافت غلط شکل اسطوره را عوض کرده پایتخت کاوس که در بلخ بوده (که ظاهراً از عصر اشکانی بخشی از پارت خوانده می‌شد) و جزو پارت بشمار می‌آمده، جزوی از پارس خوانده شده و سرزمین و پایتخت کاوس رادر فارس شمرده اند».....

سخنان مهرداد بهار (تکیه از ماست). با این وضاحت جعل پارس را با زبان دری پارتی فاش می‌سازد. لطفاً برای معلومات بیشتر به لینک ذیل مراجعه کنید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/m_farani_sankhiat_waje_tasmia_parsi_ba_dari.pdf

لغتنامه یا قاموس چیست ؟

قبل از به میان آمدن شبکه اینترنت، بسیاری از کتابها بنا به اهمیت شان، منحیث یک مرجعی با ارزش در خانه‌ها نگهداری و مورد استفاده قرار می‌گرفتند، یکی از آن جمله کتابها، فرهنگ یا قاموس لغات بود. اکنون با وجود داشتن شبکه اینترنت هنوز هم

چنین کتابها در خانه‌ها مورد اعتبار اند. برای اینکه اکثریت نسل بزرگ سال با انترنیت آشنایی کامل ندارند. از آنجاییکه کتابخانه‌ها امروز در انترنیت آنلاین شده اند و نسل‌های جوانکه دم به دم از راه می‌رسند، با انترنیت نیز همگام می‌باشند، بناً اهمیت و مزیت کتابها و قاموس‌های

از آنجاییکه کتابخانه‌ها امروز در انترنیت آنلاین شده اند و نسل‌های جوان که دم به دم از راه می‌رسند، با انترنیت نیز همگام می‌باشند، بناً اهمیت و مزیت کتابها و قاموس‌های آنلاین شده نسبت به قاموس کتابی بیشتر شده می‌رود، زیرا لغات داده شده در قاموس آنلاین برخلاف کتاب که از طریق سلسله مراتب ردیف شده حروف، آنها در چند جلد ضخیم، مراحل را طی می‌کرد تا معنی لغت را پیدا می‌کرد، اما امروز با یک کلیک کردن می‌تواند به بسیار سهولت معنی مورد نظر را بی‌درد سر از راه کوتاه دریافت کند، بدون اینکه کتابی را ورق زده باشد.

یک قاموس چه کتابی یا چه آنلاین باشد، حاوی نام‌ها، مقولات، اصطلاحات و لغاتی است که در ابعادی طبیعی و دانشی بشری تنظیم شده است. بدون شک هر قاموسی که نکات یادشده را شرح تر و گسترده تر ارائه کند ارزش آن بیشتر است.

خصوصیات و تأثیرات لغتنامه چیست؟

خصوصیات یک لغتنامه خوب درین است که محتویات لغات مروجه فرهنگی جامعه خود را دارا باشد. اگر چنین نباشد، فرهنگیان جامعه همچون دوره گرد ها محتاج به دروازه‌های دیگران خواهد بود و از خود انتخاب صحیح نخواهند داشت. در نبود یک قاموس با خصوصیات ملی، جامعه تحت تهاجم فرهنگی بیگانگان به آسانی قرار می‌گیرد و داشته‌های اصلی خود را خواه مخواه از دست می‌دهد. در چنین حالت خطر فراموشی هویت اصلی فرهنگی جامعه متصور است.

هرگاه جامعه معین، لغتنامه مشخص از لغات مروجه‌گفتاری و نوشتاری خاص خودش را که در همان محدوده جغرافیایی بمیان آمده دارا باشد، جامعه کمتر دچار تهاجم فرهنگی بیگانگان می‌شود.

امروز در جهان که تفوق طلبی‌ها و خود خواهی‌ها به اوجش رسیده است، بدون شک تأثیر فرهنگ بیگانه بجای نفع، برعکس زبان آوراست. زیرا فرهنگ بیگانه (از لحاظ فکری) جامعه را متشتت و پراکنده ساخته، مردم جامعه ثبات و استقلال فرهنگی خود را از دست می‌دهد. پس نبود استقلال فرهنگی فاجعه است که جامعه از بالندگی و حرکت مثبت باز مانده در تمام امور خودکفای نبوده محتاج تولیدات دیگران می‌باشد. ازینروست که هر باد تهاجم فرهنگی که از خارج وارد شود جامعه محتاج را دگرگون ساخته تمام پیشرفت‌ها را از جامعه سلب کرده مسیر حرکت مستقل جامعه را دچار سرگردانی می‌نماید.

جامعه ما افغانستان بعد از دوره امانی به اینطرف که بوسیله گماشتگان دشمن در همه امور تخریب شده است. بدبختانه جامعه ما چه از لحاظ فرهنگی، و چه از لحاظ اقتصادی و تولیدی ثبات ملی ندارد. به همین دلیل است که از سوزن و میخ گرفته تا لباس و پوشاک و هم اکنون خوراک و غیره را باید از خارج وارد کند. خوراک را به این خاطر ذکر کردیم زیرا زمین‌های زراعتی که هم اکنون میدانهای جنگ شده است و زارعین بجای زراعت در خدمت جنگ استخدام شده اند. ازینرو جامعه در اکثر جهات محتاج دیگران است.

Frei verwendbar

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

در گذشته زمانیکه نهاد های تولیدی مثبت در کشور سر بلند کردند، بدبختانه بزور پول بیگانگان سر به نیست شده و از بین رفته اند. ازین خاطر در بین ملل جهان جز توریدن و شرمساری در برابر خصم چیزی دیگری نصیب ملت ما نشده است. در حالیکه عامل این توریدن جز اشخاص ناخلف وابسته به خارجی ها، نمیتواند عامل دیگری باشد. برای اینکه به اهمیت داشتن یک قاموس و یا لغتنامه به هر موطن تأکید شود، لازم است تا این ضرورت با ذکر چند مثال واضح گردد: بطور مثال یک جوان (چه دختر باشد یا پسر) در مکتب یا فاکولته مثلاً به اسم "رابعه بلخی" بر میخورد و در جستجو می شود تا این شخص را بشناسد، چون لغتنامه یا ویکی پدیای افغانی خود را ندارد مجبور می شود به فرهنگ یا ویکی پدیای بیگانه مراجعه کند. در آنجا درمیابد که: در اوایل سده چهارم هجری، در سیند [هندوستان] شاعری ظهور کرد مشهور به رابعه بنت کعب که اشعار فصیح دلکشی از او در قدیمی ترین تذکره ها نقل شده است و می رساند که در زمان او، زبان فارسی در سیند رواج داشته است. (نقل شده از ویکی پدیا «زبان و ادب فارسی در هند» به لینک ذیل مراجعه شود)

زبان و ادب فارسی در هند

و یا رواج زبان "دری پارتی" را در هند ظریفانه کتمان میکنند که: «زبان فارسی در دوره غزنویان به هند راه یافت در آن دوره پارسی، زبان ادبیات، شعر، فرهنگ و دانش بود. با تأسیس امپراتوری مغول هندوستان به اوج پیشرفت خود در هند رسید و زبان رسمی هندوستان شد.» (باز هم در لینک بالا مراجعه شود)

در واقعیت بلی این زبان در دوره غزنویان غوریان و خلجی ها به هند راه یافت اما رایج شدن رسمی زبان "پارتی دری" منحیث دیوان سالاری و فرامین دولتی به فرمان سلطان سکندر لودی قبل از مغل ها انجام شده بود، از سکندر لودی بخاطری یادی نمیکند چون متعلق به افغانستان است (لطفاً به نام سکندر لودی به "قاموس کبیر افغانستان" مراجعه شود). یا جوانان میخواهند بدانند که "سمنگان" در کجاست؟ لغتنامه های معتبر ایرانی آنرا بغلط چنین سجل کرده اند: «نام شهری است در اهواز که دختر پادشاه آنجا را رستم خواست، سهراب از او بوجود آمد.» [اهواز در غرب ایران هم سرحد عراق است لطفاً به لینک ذیل مراجعه کنید]

[واژه نامهی پارسی ویکی]

این مثالها که مشت نمونه از خروار است و حتی به غرور ملی افغانها بر میخورد، عمداً آنرا غلط سجل کرده اند، تا نسل های بعدی افغانها پشت نخود سیاه رفته باشند. این چنین معلومات غلط و نادرست، جویندگان افغانی را از فرهنگ گذشته شان جدا کرده با هویتی که بوسیله بزرگان گذشته بدست آمده بود، بیگانه ساخته، نوع عقده و حقارت را به آنها القاء میکند که گویا جامعه شان فاقد تمام افتخارات ملی بوده است، ازینرو غیر مستقیم به جوانان القاء می شود که دست گدایی به فرهنگ بیگانگان را سزاوار اند. با این حیلّه دشمنان میخواهند غرور ملی افغانها را از جامعه برچینند. اینکه تمام افتخارات ملی افغانستان را بیگانگان بنام خود سجل کرده اند، دلیل آن بی توجهی کلی از جانب دانشمندان و مقامات کشور است که در اینکار بی تفاوت بوده و برای نفوذ فرهنگی بیگانگان (با خود آگاه یا ناخود آگاه) زمینه سازی کرده و مردم را از غنای زبانی شان بدور نگاهداشته اند.

انگیزه تدوین "قاموس کبیر افغانستان"

تهاجم فرهنگی در افغانستان موضوع آشکار است. پس برای شکستن صف دشمن متهاجم که با تدوین چندین فرهنگ ضخیم که عمداً اسامی تاریخی مربوط به جامعه ما را نادرست سجل کرده اند و در پیکار فرهنگی با ما قرار دارند، باید وارد میدان شد، اما چگونه با دست خالی اقدام به اینکار کرد؟ به همین مقصد و انگیزه تعدادی از دوستان خبیر و مصمم، با وجود مخالفت و سنگ اندازی بعضی ها، برآن شدند تا بجای شکایت از تهاجم فرهنگی بیگانگان، باید در تدوین یک قاموس اقدام جدی نمایند. (بقول کنفوسیوس حکیم که گفت: به جای دشنام بر تاریکی، شمع را روشن کن.) گرچه این وظیفه ای پر مسئولیت، کار آسان نبود، با آنهم بفرموده یک بزرگمرد دیگر که «تصمیم شرط اول موفقیت است» با وقوف از مشکلات به این اقدام ملی و تاریخی مبادرت ورزیدند.

در ساحة معنوی، گردانندگان این قاموس خاضعانه به تکرار از بزرگان قلم و دانش در زمینه استمداد معنوی و فکری تقاضا کردند تا این نهال بیشتر و زودتر بارور گردد که متأسفانه بسیاری آنها از قبول این بار شانه خالی کرده و طفره رفتند. این عمل آنها حتماً بی دلیل نمیتواند باشد.

در بخش تدوین چنین قاموس ضرورت افتاد تا به شیوه غربی ها اقدام شود. یعنی اول به شناخت معنی دیکشنری غربی پرداختیم که لغت دیکشنری در اصل از کلمات - dicere و dictare - مصدر لاتین گرفته شده که کلمات دیکته و دیکتاتور نیز از آن مشتق شده است، البته با کلمه ترکیبی "دایره المعارف" عربی و یا "اینساکلوپدیا" غربی هم ریشه نمی باشد. پس لغتنامه باید دیکته لغاتی باشد که در بین مردم بمرور زمان به پختگی رسیده و در جامعه رواج داشته سبب بالندگی زبان شده باشد.

گرچه پیدا کردن معادل لغات مروج در هر زبان، کار ساده نیست. اگر بخواهیم به آسانی بعضی لغات را بر داریم و بجایش لغات نامروج بیگانه و خارج از نیاز را سلیقوی بنشانیم، در آن صورت به فرهنگ زبانی زیان رسانده ایم. زیرا هر جامعه در محدوده جغرافیای خود دائماً در حال تحول است و نیازهای خود را خود جامعه می سازد، نه مراکز علمی، چونکه خصوصیت اصیل یک زبان درین است که مردم با پذیرفتن کلمه های ببرد بخور، اجازه داده اند تا آن کلمات رواج پیدا کند. به عبارت دیگر زبان در مجموع محصول پذیرش و خواست مردم بدوی بومی جامعه میباشد و این سیستم از حالت بدوی بومی مردم به مراکز علمی رسیده است، نه آنکه از مراکز علمی به جوامع بدوی بومی آمده باشد.

زبان پارتی دری، منابع فوق العاده وسیعی دارد که بوسیله لغتنامه ها ظرفیت هایش کشف شده، قابل استفاده می شود. از آنجا که هیچ لغتنامه در زبان پارتی دری (که آنرا "فارسی دری" به غلط مشهور ساخته اند)، وجود ندارد که به وسیله اشخاص

Frei verwendbar

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

مسلكى بنا بر مقتضيات عصر تدوين شده باشند، پس بايد اين وظيفه اگر توسط افراد وارد و به همكارى اشخاص مسلكى انجام شود، بيشتر قابل استفاده ميباشد.

گرچه درين زمينه قبلاً "دايرهالمعارف آريانا" كه تحت اراده بزرگان انجمن ادبى كابل (متبحرين به مشاورت مسلكيان) شروع يكار كرد و تا جابى مؤفق نيز شد و در آغاز كار نشان داد كه از جمله معتبرترين دايرهالمعارف جهانى خواهد شد، اما اين "دايرهالمعارف" بدبختانه توسط گماشتگان بيگانه دستخوش كار شكنى شده و نيز حمايت دولتى بنابر دلايلى در ادامه كار آن روزبه روز كم رنگ شده رفت تا آنكه بشكل امروزه عرض اندام كرد .

گرچه در راه تدوين "قاموس كبير افغانستان" از جانب تنگ نظران وابسته به بيگانه ها ما نيز دچار مصيبت و سنگ اندازى هاى بى شمار شديد، مگر خوشبختانه چون اين پروژه مستقل و به دور از دست اراكين دولتى بود، بناً بقوتش پيش رفت. حتى خوشبختانه برعكس اين گونه سنگ اندازى ها سبب تسريع وجديت بيشتر كار همكاران مصمم گرديد .

با اين آرزومندى ملّى و وجدانى تيم همكاران "قاموس كبير افغانستان" توانستند اين برگ سبز را خدمت جامعه دردكشيده خود پيش كش نمايند كه البته اينكار به همت خبرگان وطندوست ديگر بمرور زمان به پختگى لازم خواهد رسيد . اين گام اول را نخست به كافه هموطنان خود و ثانياً به ذواتى گرامى كه درين راه زحمات قابل قدر كشيده اند، از صميم قلب تبريك و تهنييت عرض ميكنيم .

در پايان سخن به نقل قول ذيل از فيلسوف و متفكر بزرگ افغان علامه سيدجمال الدين افغانى بدقت توجه كنيد كه مى فرمايد: « هر ملتى كه زبان خود را فراموش كرد، تاريخ خود را گم كرد، عظمت خود را از دست داد، براى هميشه در قيد بندگى و اسارت باقى خواهد ماند . «[علامه سيد جمال الدين الافغانى](#)»

Frei verwendbar

د پانوي شميره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكارى ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلېکنيزې د لېکنيزي بنې پاروالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ